



Woman in Development and Politics

Women and Social Structure Change; Analyzing the Narrative of Active Women Activists in the Kurdistan Region of Iraq

Hossein Daneshmehr^{1✉} | Ameer Khodakaram Ali-AlZandi² | Kurda Ahmad Mahmoud³

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: hdaneshmehr@yahoo.com

2. Full Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, University of Sulaimani, Sulaimaniyah, Iraq. E-mail: ameer.mohamad@univsul.edu.iq

3. MA Sociology, Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: kurda.gazo09@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Published online

Keywords:

Women's Associations, Kurdistan Region, Social Structure, New Masculinity, Female Agency, Narrative Analysis.

ABSTRACT

The current research is based on the narrative of female activists regarding the role and status of women in the transformation of the social structure of the Kurdistan region. The function and position of women in the Kurdistan Region's structural changes have been elucidated through the application of Sharabi and socialist feminist theories. Narrative analysis is implemented in this investigation, which adheres to the qualitative methodology. To achieve this objective, the semi-structured interview strategy and targeted and homogeneous sampling were implemented to interview eighteen individuals who are involved in the associations. The data were interpreted and analyzed in the form of 12 primary themes and 6 secondary themes. The results showed that the social structure underwent alteration subsequent to the establishment of the Kurdistan Region in 1991 AD, which consequently altered the role and status of women accordingly. From that time until now, political parties have influenced the demands and associations of women, and they have examined women's issues within the context of party goals. Nevertheless, women have been able to secure their position within this structure by actively participating and occupying managerial and political positions. The influence of education, media, and associations has been significant. Women's associations, as one of the most significant structural changers and active women themselves as agents of change, have passed equitable laws, eradicated old social and cultural patterns, and raised awareness, support, and representation of women's problems and challenges.

Cite this article: Daneshmehr, H., Ahmad Mahmoud, K., & Khodakaram Al-Zandi, A. (2024). Women and social structure change; Analyzing the narrative of active women activists in the Kurdistan region of Iraq. *Women in Development and Politics*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/000000000000000000000000>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

زنان و تغییر ساختار اجتماعی؛ تحلیل روایت کنشگران زن فعال در اقلیم کردستان عراق

حسین دانش مهر^۱ | امیر خداکرم الزندی^۲ | کورده احمد محمود^۳

۱. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: hdaneshmehr@yahoo.com

۲. استاد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سلیمانیه، سلیمانیه، عراق. رایانامه: ameer.mohamad@univsul.edu.iq

۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: kurda.gazo09@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها:

اقلیم کردستان، انجمن‌های زنان، تحلیل روایت، ساختار اجتماعی، عاملیت زنانه، مردانگی جدید.

پژوهش حاضر به دنبال روایت فعالان زن از نقش و جایگاه زنان در تغییر ساختار اجتماعی اقلیم کردستان است. با استفاده از نظریات فمینیست‌های سوسیالیست و شرابی به تشریح وضعیت تغییرات ساختاری در اقلیم کردستان و نقش و جایگاه زنان در این تغییرات پرداخته شده است. این پژوهش در سنت روش کیفی قرار دارد و در آن از تحلیل روایت استفاده شده است. بدین‌منظور راهبرد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و نمونه‌گیری هدفمند و همگن است. مصاحبه با هجده نفر از فعالان در انجمن‌ها صورت گرفت. داده‌ها در قالب ۱۲ مضمون اولیه و ۶ مضمون ثانویه تفسیر و تحلیل شدند. نتایج نشان داد تغییرات ساختار اجتماعی بعد از سال ۱۹۹۱، یعنی زمان تشکیل اقلیم کردستان به‌وقوع پیوسته که در نتیجه آن، نقش و جایگاه زنان نیز دستخوش تغییر شده است. از آن زمان تاکنون، احزاب سیاسی به خواسته‌ها و انجمن‌های زنانه شکل داده‌اند و در چارچوب اهداف حزبی به مسائل زنان نگریده‌اند. با وجود این، زنان با مشارکت و تصاحب پست‌های مدیریتی و سیاسی توانسته‌اند جایگاه خود را در این ساختار به‌دست آورند. در این میان نقش آموزش، رسانه‌ها و انجمن‌ها مهم و تأثیرگذار بوده است. انجمن‌های زنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تغییردهندگان ساختار و خود زنان فعال به‌عنوان عامل تغییر، اقدام به تصویب قوانین عادلانه، ریشه‌کنی الگوهای کهن اجتماعی فرهنگی و گسترش آگاهی، حمایت و بازنمایی مشکلات و چالش‌های زنان کرده‌اند.

استناد: دانش مهر، حسین؛ الزندی، امیر خداکرم؛ و احمد محمود، کورده (۱۴۰۳). زنان و تغییر ساختار اجتماعی؛ تحلیل روایت کنشگران زن فعال در اقلیم کردستان عراق. زن در توسعه و سیاست، ۲(۴)، ۲۰-۱.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به تغییرات ساختاری اقلیم کردستان عراق به‌ویژه بعد از تشکیل آن، جایگاه زنان در این تغییرات کجاست و آن‌ها در این تغییرات چه نقشی ایفا کرده‌اند. این امر رابطه دوسویه عاملیت زنانه (نقش) و جایگاه (روابط ساختاری) را برجسته می‌کند و می‌تواند تغییرات ساختاری را از دید زنان بنگرد؛ بنابراین، از طریق کسانی که در میدان اجتماعی و حوزه زنان فعالیت دارند، پرداختن به نقش و روابط ساختاری اهمیت می‌یابد. به طبع می‌توان در مورد زنان و از دریچه نگاه آنان، این تغییرات ساختاری را ارزیابی نیز کرد.

آنچه در وهله اول می‌توان به آن پرداخت این است که منطقه کردستان عراق به‌عنوان یک منطقه نیمه‌خودمختار در شمال عراق پس از انتخابات عمومی در سال ۱۹۹۲ وارد دنیایی شده که به سمت مدرن‌شدن پیش رفته است. این امر همراه با روند روبه‌رشد سرمایه‌داری و وقوع تحولات ساختاری در بافت اجتماعی آن به‌وقوع پیوسته است. «نوسازی و توسعه سریع از سال ۱۹۹۲ در حال انجام است و پس از سال ۲۰۰۵ این فرایندها تسریع شده است. این مدرن‌سازی سریع، توجه زیادی را به برابری جنسیتی معطوف کرده است، اگرچه این امر اغلب توسط بخش قابل‌توجهی انجمن‌های غیردولتی زنان در منطقه، ناکافی تلقی می‌شود» (Hague et al., 2013). این تصور اکنون وجود دارد که الگوی رایج در جامعه کرد این است که فرهنگ متفاوتی از تبعیض جنسیتی در آن قابل‌مشاهده است. جایگاه زنان فقط در خانه‌داری تعریف شده است و مردان هم بالادست و مدیر هستند. نگاهی به گزارش‌ها و آمار حاکی از این واقعیت است که هرچند از سال ۱۹۹۱ و به‌ویژه از دوران تثبیت حکومت اقلیم در سال ۲۰۰۵ وضعیت زنان تغییرات چشمگیری داشته است، هنوز این اقلیم درگیر مسائل و خواسته‌های زنان است. آمارهای داخلی و بین‌المللی حاکی از وجود و تعدد این مسائل حل‌نشده است؛ برای مثال، «به گزارش سازمان بهداشت جهانی در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، بیشتر از ۲۶ درصد زنان با میانگین سنی ۲۰ تا ۴۹ سال پیش از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند و دخترانی که میانگین ۱۵ تا ۱۹ سال دارند، ۱۰ درصد از این تعداد را شامل می‌شوند. همچنین براساس گزارش صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)، ۸/۱۹ درصد از زنان در سه استان اقلیم کردستان از مراقبت‌های نوزادان و پس از زایمان برخوردار نیستند» (Khani, 2019: 17). به‌علاوه می‌توان به گزارش ملی بشردوستانه ۲۰۱۸ در عراق در هفتمین کنگره شبکه زنان عراقی در بغداد اشاره کرد که «توسعه کلی در عراق ۶۲ درصد است، اما توسعه مرتبط با جنسیت به ۵۸ درصد کاهش یافته است که نشان‌دهنده کاهش شاخص توسعه انسانی است و این امر نیز برای اقلیم کردستان وجود دارد» (Al-Tamimi, 2018).

«بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در خاورمیانه و اکثر نقاط جهان از جمله کردستان نشان می‌دهد بیشترین قربانیان بحران‌ها زنان هستند؛ درحالی‌که زنان در جنایت بحران‌آفرینی مشارکت نداشته‌اند» (Gaznawi, 2017). «در وضعیت کنونی، مشارکت زنان در سیاست و اقتصاد و اجتماع این بار دیگر به نفع منافع حزبی و قدرت مردسالارانه است، انتخاب زنانی که مانند مردان احزاب فکر می‌کنند نامزد می‌شوند» (Abdullah, 2015: 22). این مطالعات و گزارش‌ها بسیار مهم هستند؛ چرا که به‌خوبی جایگاه زنان را در ساختار اجتماعی اقلیم نشان می‌دهند. جایگاهی که اکثراً نادیده گرفته می‌شود یا کم‌اهمیت جلوه داده می‌شود. با وجود این، «آمارها و شواهد حاکی از تغییر نقش و جایگاه زنان در ساختار اجتماعی است. تصویر زنان از یک زن انقلابی، فعال سازمانی و روشنفکران، تا تصویر مادی و ادغام با دنیای سرمایه‌داری، بازار آزاد و مد تغییر کرده است» (Yahya, 2021: 37).

با وجود این، شکی نیست که «جایگاه زن در هر جامعه‌ای آینه‌ای واقعی است که واقعیت آن جامعه، شیوه زندگی، تفکر و سطح زندگی آن جامعه را منعکس می‌کند. وجود جهات متضاد در یک جامعه سنتی تازه توسعه‌یافته می‌تواند به همان اندازه اثرات منفی داشته باشد» (Meri, 2009). با این اوصاف، با توجه به تغییر ساختارهای اجتماعی در اقلیم کردستان عراق به‌ویژه از زمان شکل‌گیری و تثبیت آن، می‌توان به نقش و جایگاه زنان در احقاق حقوق و مبارزه برای این تغییر پرداخت.

۲. پیشینه پژوهش

۱-۲. پیشینه نظری

جامعه‌شناسان معاصر از دو نوع تغییر اجتماعی سخن به میان آورده‌اند: یکی تغییر متعادل و دیگری تغییر ساختی. منظور از تغییر متعادل فرایندی است که با آن بدون اینکه نظام اجتماعی دچار دگرگونی کامل شود، جای خود را به تعادل و توازن جدید می‌دهد. در این نوع تغییر، بخش‌هایی از نظام اجتماعی دگرگون می‌شوند. تغییر ساختی به آن نوع تغییری گفته می‌شود که کلیت نظام اجتماعی دگرگون می‌شود و به‌واسطه آن نظام جدیدی جایگزین نظام قبلی می‌شود. تغییر اجتماعی ممکن است مترقی یا پسرقتی باشد. همچنین ممکن است دائمی یا موقتی باشد. جامعه‌شناسان معتقدند دو نوع تغییر اجتماعی وجود دارد: یکی برنامه‌ریزی‌شده و دیگری بدون طراحی و برنامه‌ریزی قبلی. تغییر اجتماعی ممکن است مفید یا مضر باشد. همچنین تغییر اجتماعی را می‌توان برحسب مفهوم ساختار از جمله نهادهای اجتماعی، حقوقی و سیاسی، و نیز شیوه‌های زندگی و تفکر که در زبان، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و شیوه‌های زندگی منعکس می‌شود، درک کرد. به این ترتیب، تغییرات اجتماعی با هر دو سطح کلان و خرد سروکار دارد، در چیزی که اغلب به‌ترتیب از آن به‌عنوان رویکردهای «بالا به پایین» و «پایین به بالا» یاد می‌شود (Roche, 2001). در کشاکش نظریات، دستیابی به چشم‌انداز نظری با درهم‌آمیختگی نظریات می‌تواند سویه‌های این تغییرات را تفسیر و تحلیل کند؛ بنابراین، پژوهش حاضر از تأملات نظری و دریچه مفهومی و نظری نظریه تقویت متقابل سرمایه‌داری و پدرسالاری (فمینیسم سوسیالیستی)^۱ و همچنین نظریات هاشم الشرابی^۲، متفکر و نظریه‌پرداز عرب به‌ویژه مفهوم مردانگی جدید سود می‌جوید. این امر به‌دلیل استدلال نظری برای خوانش تغییرات ساختار اجتماعی اقلیم کردستان اتخاذ شده است؛ بنابراین، سعی بر بازخوانی این تغییرات با رویکردهای مورد بحث است.

۲-۱-۱. نظریه تقویت متقابل سرمایه‌داری و پدرسالاری

در نتیجه مجادلات میان فمینیست‌های رادیکال و فمینیست‌های مارکسیست، بر سر علت فرودستی زنان و چگونگی تغییر وضعیت در دهه ۱۹۷۰ نظریه‌های جدیدی شکل گرفتند که به فمینیسم سوسیالیستی شهرت یافتند. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این گروه می‌توان به آیزنشتاین^۳ (۱۹۷۹)، هایدی هارتمن^۴ (۱۹۷۹)، هاری ساک^۵ (۱۹۸۳)، مک‌کینان^۶ (۱۹۸۲)، سورد^۷ (۱۹۸۴)، شارل فوریه^۸ (۱۸۳۷)، رابرت اون^۹ (۱۸۵۸)، میشل بارت^{۱۰} و جولیت میچل^{۱۱} اشاره کرد. مقاله «ازدواج ناموفق فمینیسم و مارکسیسم» اثر هایدی هارتمن، از آثار کلاسیک این جریان فکری است. جنبش آزادی‌بخش زنان بریتانیا در سال‌های دهه ۱۹۷۰ با ایده مارکسیسم درآمیخت. اولین زنان سوسیالیست-فمینیست بریتانیا جولیت میچل، شیلا روباتام^{۱۲} و مارگریت بارت^{۱۳} هستند. آن‌ها نیز بر مسائلی چون طبقه، جنسیت و مردسالاری انگشت می‌گذارند و معتقدند با گنجاندن مفاهیم تولیدمثل، کار خانگی و نگهداری و پرورش کودک در نظریه مارکسیستی، شیوه نوینی برای سازمان‌دهی و مبارزه زنان یافته‌اند. در انگلیس سازمان‌ها و گروه‌های زنان بسیاری تشکیل شد که سوسیالیست-فمینیست‌ها در آن‌ها همچنان فعال‌اند.

مسئله اصلی فمینیست‌های سوسیالیست، توضیح چگونگی ترکیب نظام سرمایه‌داری و نظام مردسالاری است. به بیان دیگر، آن‌ها معتقدند برای تحلیل وضعیت فرودستی زنان و همچنین طراحی راهبرد مبارزاتی برای تغییر وضعیت نباید صرفاً نگاهی تک‌بعدی داشت (صرفاً طبقاتی مانند مارکسیست‌ها یا صرفاً روانکاوانه مانند برخی رادیکال‌ها)؛ بلکه باید مجموعه‌ای از شرایط و

1. Socialist feminism

2. Sharabi

3. Eisenstein

4. Hartmann

5. Sack

6. McKinnon

7. Sord

8. Fourier

9. Owen

10. Baret

11. Mitchell

12. Rowbotham

13. Baret

علل را در ایجاد موقعیت فرودست زنان بررسی کرد. از این‌رو، فمینیست‌های سوسیالیست معتقدند برای تغییر وضعیت موجود در جهت رسیدن به جامعه برابر باید مبارزه‌ای «هم‌زمان» با نظام مردسالاری و سرمایه‌داری صورت پذیرد. بدین ترتیب، «فضای عمل و حوزه مبارزه از نظر فمینیست‌های سوسیالیست محدود به کارخانه‌ها نیست، بلکه مجموعه حوزه‌های عمومی و خصوصی که زنان در آن‌ها مورد تبعیض قرار دارند، مکانی برای مبارزه است. در واقع شیوه عمل فمینیست‌های سوسیالیست، شیوه چندجانبه است (Azazi, 2006).

۲-۱-۲. شرابی و مردانگی جدید

نظریه‌پردازان جهان عرب، به تأسی از نظریه‌پردازان غربی با در نظر گرفتن ساختارهای اجتماعی فرهنگی و سیاسی و اقتصادی جامعه خود سعی کرده‌اند نظریه‌ها، مفاهیم جدیدی برای تحلیل وضعیت جامعه خود به‌ویژه وضعیت ساختار اجتماعی قرار دهند. یکی از نظریه‌پردازان هشام الشرابی است که با تحلیل پیوند دو ایدئولوژی سرمایه‌داری و پدرسالاری سعی در تحلیل ساختارهای اجتماعی جامعه عرب داشته است. او معتقد است متغیرهای ساختاری در جوامع مردسالار عقب‌مانده یکسان است و براساس همان اصول عمل می‌کند؛ به طوری که تغییرات در اصول پدرسالاری ایجاد شده و به مرور زمان با روابط اجتماعی و نفوذ سرمایه‌داری تطبیق داده می‌شود تا توسعه یابد (Sheehi, 1997).

شرابی در کتاب *مردانگی و مشکل عقب‌ماندگی جامعه عرب* که به صورت انتقادی و تحلیلی به این پیوند اشاره دارد، می‌گوید که «جامعه کنونی عرب کاملاً سنتی مانند جوامع پیشامدرن نیست، بلکه آمیزه‌ای از قدیم و مدرن در نتیجه سقوط اکثر کشورهای عربی تحت حاکمیت استعماری است. شرابی با پیوند دادن آن به تمدن غرب و در نتیجه وارد کردن برخی از اشکال نوآوری مادی، این ویژگی‌ها را مدرن کردن ساختارهای نظامی و بوروکراتیک دولت و همچنین آموزش، اقتصاد و سبک زندگی توصیف می‌کند. تغییر ساختارهای اجتماعی و الگوهای آگاهی و تفکر، مدرنیزاسیون در رابطه با چارچوب کتاب به یک فرایند وارداتی اشاره دارد که به ذهنیت مدیریت رهبری محدود می‌شود (Sharabi, 1965).

نویسنده بین ساختارهای بزرگ پدری جدید (دولت، اقتصاد و...) و ساختارهای کوچک‌تر آن‌ها (خانواده، فرقه، قبیله و...) تمایز قائل می‌شود. «آنچه روابط بین حاکمیت، پدر، بقیه اعضای خانواده، بزرگان قبیله و اعضای قبیله، ثبات، ماهیت عمودی تمام ساختارهای مردانگی جدید است؛ جایی که زبان تسلیم و وابستگی به جای ارزش‌های برابری و درعین حال حاکم است. وفاداری تحت این سیستم، جوامع اولیه صمیمیت (خانواده، قبیله) به جای ایده‌های انتزاعی مانند کشور و ملت، ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی هدایت می‌شوند» (Sheehi, 1997) شرابی خاطر نشان می‌کند که والدینی جدید در خانواده‌های گسترده (خانواده‌های پرجمعیت) که بر منطبق سلسله‌مراتب و تسلط بر شخصیت پدر حاکم است، در مقابل خانواده‌های هسته‌ای (کوچک) که استقلال اقتصادی بر آن‌ها حاکم است، تجلی پیدا می‌کند» (Ibid: 72). «نظام مردسالار در تقسیم‌بندی یا شکل جدید را نمی‌توان در مجموعه‌ای از ساختارهای فیزیکی تعریف کرد، بلکه در یک ذهنیت اقتدارگرای بسته که تولید انتقاد، پاسخگویی و گفت‌وگو می‌کند، قابل تعریف نیست» (Sheehi, 1997: 78). وی معتقد بود که جوامع عرب هنوز نتوانسته‌اند از زیر بار سنت‌های خود رهایی یابند. از سوی دیگر جهان غرب نیز برخی دستاوردهای خود را به نحو حساب‌شده‌ای به جهان عرب تزریق می‌کند و از حقیقت تغییرات خود سخنی نمی‌گوید. وی کتاب *پدرسالاری جدید* را با همین هدف نگاشت. شرابی در این کتاب ادعا کرد که پدرسالاری جدید نوعی شکل‌بندی اجتماعی است مبتنی بر رابطه پدران بین افراد و همچنین بین حاکمیت و مردم. این روابط به نحو عمودی و از بالا به پایین شکل گرفته است. در این روابط، حتی سنت‌های جامعه نیز سبب تقویت این نگاه عمودی می‌شوند. این رفتارهای اجتماعی، در نظام‌های جدید نیز وجود دارد و پدرسالاری جدید را در جوامع عربی به وجود آورده است» (Sharabi, 1965).

۲-۲. پیشینه تجربی

محمدی و پاشایی (۱۴۰۰) در مقاله «زنان کرد در حوزه عمومی: زمینه‌ها، مؤلفه‌ها و فعالیت‌های تشکلی‌های اجتماعی زنانه (مطالعه موردی: استان کردستان)» به چگونگی بر ساخته شدن سوژگی‌کنیوتنه زنانه در این تشکله‌ها، به‌مثابه نمادی از حوزه عمومی با

استفاده از روش تحلیل روایت پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد از میان مؤثرترین زمینه‌های شکل‌گیری این تشکل‌ها در کردستان می‌توان به پیشینه‌های تاریخی کنشگری عمومی زنان، رشد فزاینده ورود دختران به دانشگاه‌ها، رواج نگرش‌های فمینیستی و پیوستن روزافزون زنان به نیروی کار اشاره کرد. نتایج همچنین مشخص کرد فرایند تثبیت موقعیت سوژگی زنان در این تشکل‌ها عمدتاً از خلال تلاش آن‌ها برای از آن خود کردن فضاهای عمومی مردانه، بازپس‌گیری گستره‌های فعالیت مدنی از دیگری مذکر و تمرین فردیت و خودآیینی در پیشگاه عموم می‌گذرد.

قادرزاده و کریمی (۱۳۹۹) در مقاله «فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد؛ بساخت شبکه ارتباطی جدید به‌مثابه جایگزین محدودیت‌های ساختاری: ارائه نظریه زمینه‌ای»، به بساخت زمینه‌های جایگزینی انجمن‌ها در برابر محدودیت‌های ساختاری با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای پرداختند. نتایج نشان داد بساخت شبکه ارتباطی جدید در سازمان‌های مردم‌نهاد حاکی از شرایطی است که ناکارآمدی دولت و نظام تدبیر در منطقه، و نابرابری اجتماعی، امکان حضور و مشارکت زنان در این انجمن‌ها را فراهم کرده است.

کریم محمد الجاف و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «مدل دستیابی زنان کرد به جایگاه‌های رهبری در اقلیم کردستان عراق» که با روش داده‌بنیاد انجام دادند به این نتایج رسیدند که زنان در اقلیم کردستان برای دستیابی به جایگاه‌های رهبری نیازمند داشتن خانواده بانفوذ و قدرتمند هستند و نیز باید از برخی خصوصیات رهبری و داشتن الگو و مربی برخوردار باشند. به‌علاوه داشتن سهمیه می‌تواند نقش تسهیل‌کننده‌ای در تحقق این رهبری داشته باشد.

الدیمی^۱ (۲۰۲۱) در پژوهش «جنبش‌های زنان اردن و نفوذ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۹»، به جنبش‌های زنان در کشور اردن پرداخت. مطابق نتایج، اهمیت جنبش‌های زنان در سطوح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در دوران اخیر افزایش چشمگیری یافته است و دستیابی به حقوق آنان براساس استانداردهای بین‌المللی و گام‌های برداشته‌شده برای برابری زن و مرد در تمامی امور دولتی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی-اقتصادی و زمینه‌های شهروندی هموار شده است.

سکار فاتح^۲ (۲۰۱۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «نقش زنان در سیاست، اهمیت مشارکت زنان در سیاست در جریان قیام ۱۹۹۱»، درمورد سازمان‌های احزاب زنان در اقلیم کردستان، سه سازمان اتحادیه زنان، اتحادیه زنان و خواهران متحد کردستان و اهمیت و تأثیر آن‌ها در گسترش آگاهی و دستیابی به حقوق زنان در عرصه سیاسی را مطالعه کرد و نقش پیشینه تاریخی مبارزاتی زنان اقلیم کردستان در شکل‌گیری انجمن‌ها و فعالیت‌های زنان را مورد بررسی قرار داد.

نسرین زرار^۳ (۲۰۰۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «نقش انجمن‌های زنان در حل معضلات اجتماعی آن‌ها»، مشکلات اجتماعی زنان در انجمن‌های زنان اقلیم کردستان را در حل مشکلات اجتماعی مرتبط با آن مطالعه کرد. این پژوهش با تمرکز بر خشونت علیه زنان در اقلیم کردستان به نقش و جایگاه انجمن‌ها در حل این مسائل و مشکلات تأکید دارد و نتیجه می‌گیرد که انجمن‌های زنان توانسته‌اند بر بسیاری از مسائل و مشکلات زنان غلبه کنند و راهنمای بسیار خوبی برای زنان در این راه باشند.

با اینکه تحقیقات زیادی درمورد نقش و جایگاه زنان کردستان عراق و ایران صورت گرفته، کمتر به نقش و جایگاه آن‌ها در تغییرات ساختاری جامعه پرداخته شده است. این امر ما را وادار به تحلیل روایت فعالان به‌ویژه کسانی کرد که هر روزه با مسائل و مشکلات زنان درگیر هستند تا بتوانیم علاوه بر بررسی نقش و جایگاه زنان در تغییرات ساختاری گذشته عراق و کردستان به وضعیت اکنون آن‌ها بنگریم. این امر مهم‌ترین دلیل و جنبه نوآورانه پژوهش است.

۳. روش‌شناسی

تحلیل روایت از روش‌های تحقیق کیفی است که از مطالعه اظهارات و اعمال افراد در متن موضوعی شروع می‌کند. پس تحلیل

¹. Al-Dulaimi

². Skar Fatih

³. Nasrin Zrar

روایت با شکل خاصی از نظم زنجیره‌ای آغاز می‌شود. عبارت منفردی که قصد تفسیر آن را داریم. پس از آنکه مشخص شد جزئی از روایت است تحلیل می‌شود. روایت‌ها به‌وسیله مصاحبه‌ی روایی تهیه و گردآوری می‌شوند تا بتوان براساس آن‌ها فرایند زندگی افراد را بازسازی کرد (Flick, 2007: 368). تحلیل روایت، عدم قطعیت، پیچیدگی و تضادها و دوگانگی را بر نمی‌تابد؛ چرا که روایت‌ها تاریخ سوژه‌ها و بیانگر غنا و فقر احساسات، اندیشه‌ها و تجربه‌ی انسانی هستند. آن‌ها آشکارکننده‌ی معایب و مزایا هستند. به خلق هویت و واقعیت اجتماعی کمک می‌کنند و حتی موجب دگرگونی می‌شوند. روایت‌ها به این دلیل بررسی می‌شوند که ساختارهای ایجاد معنا هستند (Toloui & Khaliq Panah, 2007). همان‌طور که پینگر و داینس^۱ می‌گویند، روایت در مقام روش، با آن دسته از تجارب افراد آغاز می‌شود که در «داستان‌های زیسته و نقل‌شده»^۲ مطرح کرده‌اند (Croswell, 2018: 74). «زندگی به‌منزله» یک روایت در نظر گرفته می‌شود تا بتوان بر ساخت روایی واقعیت را تحلیل کرد» (Flick, 2007: 368).

تحلیل روایت به سبب تمرکز و موضع‌گیری روشی، راهبرد از پایین به بالا -روایت از پایین- را مدنظر دارد. روایت‌کردن به‌مثابه تفسیر داده‌ها و اطلاعاتی است که تجربه‌ی زیسته افراد درگیر در موقعیت است. محقق در این تحلیل، نه تنها روایت‌ها را می‌شنود، بلکه درگیر آن‌ها نیز هست و ممکن است با افراد در تولید و تفسیر روایت‌ها مشارکت نیز داشته باشد.

با توجه به مباحث در مورد روش کیفی و همچنین اتخاذ روش مناسبی برای پیشبرد کار، از روش تحلیل روایت (روش روایتی^۳) به‌مثابه روش انجام کار استفاده شد. به بیان دکایی و نوری، روایت‌کردن یک تجربه ابزار مناسبی برای سهیم‌کردن دیگران در تجربه خود به‌عنوان یک نتیجه و فرایند است؛ به‌گونه‌ای که هم مخاطبان این تجربه و هم راوی بتوانند این تجارب را بازسازی کنند و در نتیجه فهم مشترکی از آن پیدا کنند (Zokaee & Noori, 2016).

با توجه به اهداف و روش انجام کار از ابزار و راهبرد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد که در آن، سؤالات مصاحبه از قبل مشخص می‌شود و از تمام پاسخ‌دهندگان، پرسش‌های مشابه پرسیده می‌شود، اما آن‌ها آزادند که پرسش‌ها را به هر طریقی که می‌خواهند پاسخ دهند. البته در راهنمای مصاحبه، جزئیات مصاحبه، شیوه بیان و ترتیب آن‌ها ذکر نمی‌شود. این موارد در فرایند مصاحبه تعیین می‌شوند. برای نمونه‌گیری از «نمونه‌گیری هدفمند»^۴ و «نمونه‌گیری همگن»^۵ استفاده شد و تا رسیدن به «اشباع نظری» -حجم و تعداد مصاحبه‌ها- یعنی زمانی که یک مضمون یا گروهی از موارد حاصل و دیگر چیز جدیدی حاصل نشود (Flick, 2007: 231)، ادامه داده شد.

مشارکت‌کنندگان، فعالان انجمن‌های زنان در اقلیم کردستان به‌ویژه شهرهای اربیل، سلیمانیه، کرکوک و حلبچه در بیست انجمن زنان هستند که در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ و با میانگین زمان مصاحبه ۶۰ دقیقه به‌صورت تک‌نفره در مطالعه شرکت کردند. از آنجا که تحقیق کیفی و تفسیری است، صدای شرکت‌کنندگان در پژوهش به‌وسیله محقق کانالیزه می‌شود. در نتیجه «صدای پاسخگویان در هر پژوهشی در ارتباط با صدای پژوهشگر قرار می‌گیرد» (Goulding, 2005: 56).

«در پژوهش‌های کیفی، بیشتر بحث اعتبار مطرح است تا پایایی. این موضوع، ناشی از ماهیت هستی‌شناختی و فلسفی روش‌های پژوهش کیفی است. یکی از مهم‌ترین روش‌ها، ارائه نقل‌قول‌های مستقیمی از پاسخگویان است؛ نقل‌قول‌هایی که خواننده را به‌سوی درک سریع‌تر آنچه محقق طی ماه‌ها یا سال‌ها تلاش و تفکر به دست آورده، هدایت می‌کند» (Bernard, 2006: 503). همچنین از تکنیک «تحلیل مضمونی»^۶ برای تحلیل مصاحبه‌ها استفاده می‌شود. این تکنیک، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند که براساس موضوع‌ها و سؤالات مطرح‌شده در قالب مفاهیم و مضمون‌هایی ارائه و تشریح می‌شوند.

1. Pinnegar & Daynes

2. Life course stages

3. Narrative Method

4. Purposive Sample

5. Homogeneous Sampling

6. Thematic Analysis

۴. یافته‌های پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش و همچنین روش انجام کار، مصاحبه با فعالان زنان در انجمن‌های زنان اقلیم کردستان به شرح جدول ۱ انجام شد.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	مشخصات	مقطع تحصیلی	رشته/ فعالیت	مدت مصاحبه (دقیقه)	سال مصاحبه
۱	ج. قادر	دکتری	تاریخ، حوزه مسئله زنان	۶۰	۲۰۲۲
۲	ر. ف. حسین	کارشناسی ارشد	رئیس پارلمان اقلیم کردستان، سیاستمدار، حقوقدان، قاضی و استاد دانشگاه در گروه حقوق دانشگاه سلیمانی	۶۰	۲۰۲۳
۳	ش. ع. حسن	دکتری	فعال مدنی زنان	۶۰	۲۰۲۳
۴	چ. س. عبدالله	دکتری	رئیس مرکز تحقیقات حزب دموکرات کردستان، جامعه‌شناس، عضو شورای رهبری حزب دموکرات کردستان	۶۰	۲۰۲۲
۵	خ. جزا	دکتری	فعال زنان تا سال ۲۰۰۹، نویسنده کتاب Ocean of Crime	۴۵	۲۰۲۲
۶	پ. عزت‌الدین	کارشناسی	نماینده مجلس کردستان، نماینده جنبش زنان جنبش گوران، کارشناس قوانین و مسائل مربوط به زنان	۷۰	۲۰۲۲
۷	پ. زنگنه	کارشناسی	عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کردستان و عضو سابق شورای زنان در اقلیم کردستان	۶۰	۲۰۲۳
۸	ب. عثمان	دکتری	هماهنگ کننده سازمان توسعه انسانی	۶۰	۲۰۲۳
۹	ر. ط. دزیی	دکتری	مشاور آموزش و امور زنان در ریاست اقلیم کردستان	۶۰	۲۰۲۳
۱۰	س. محمد	-	نویسنده، پیشمرگه و مبارز انقلاب	۷۰	۲۰۲۲
۱۱	ش. حسن	-	نویسنده و رمان نویس	۶۰	۲۰۲۲
۱۲	ش. یحیی	دکتری	عضو اتحادیه زنان کردستان در اربیل	۶۰	۲۰۲۲
۱۳	ع. باخوان	دکتری	مدیر مرکز فرانسه عراق، مدرس دانشگاه	۶۰	۲۰۲۲
۱۴	ع. فرج	دکتری	مدرس دانشگاه سلیمانی، عضو دفتر سیاسی خواهران متحد	۱۲۰	۲۰۲۲
۱۵	ک. عبدالله	کارشناسی	نویسنده زن و حقوق زن مسئول روابط اتحادیه زنان کردستان فعال برای مسائل زنان	۷۰	۲۰۲۲
۱۶	م. سید قادر	دکتری	نایب رئیس کابینه نهم اربیل لیست جنبش گوران	۴۵	۲۰۲۳
۱۷	ن. طالبانی	دکتری	رئیس کمیته حقوق بشر شورای استان سلیمانی	۶۰	۲۰۲۲
۱۸	ا. کاروانی	دکتری	عضو دفتر سیاسی خواهران متحد، وزیر امور پارلمانی در کابینه‌های قبلی	۶۰	۲۰۲۲

شایان ذکر است که برای اعتباربخشی به یافته‌ها، ارجاعاتی به متن مصاحبه‌ها انجام می‌شود تا به تفهیم و اقعان نظری و تجربی مباحث برسیم.

جدول ۲. مضامین استخراج شده از مصاحبه‌ها

مضامین ثانویه	مضامین اولیه	رونوشت مصاحبه‌ها (استخراج مفاهیم)
احزاب سیاسی و شکل‌دهی به خواسته‌های زنان	سلطه احزاب	اولویت نبودن مسائل زنان و برابری جنسیتی در احزاب، ریشه قدرت در دست مردان، درگیری‌های سیاسی و ایدئولوژیک و شکل‌دهی به خواسته‌های زنان، ذهنیت مردانه حکومت کردن، گرایش زنان به احزاب، ارجحیت حزب بر خواسته‌های زنان، به‌حاشیه‌رانی مسائل زنان، اقدامات احزاب در جهت بهبود وضعیت زنان، ورود زنان به عرصه سیاست، احزاب و کمک کردن به حل مسائل زنان، هم‌زمانی خواسته‌های ملی و زنانه، رقابت انجمن‌ها در چارچوب احزاب
	نگرش مردسالارانه احزاب	
	به‌حاشیه‌رانی مسائل زنان	

سیطره فرهنگ پدرسالارانه	فرهنگ قبیله‌ای پدرسالارانه	محیط اجتماعی قبیله‌ای، رواج لوازم آرایشی و جراحی زیبایی، فرهنگ قبیله‌ای و اشرافی، زنان به‌عنوان ابزاری برای قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردان، جامعهٔ مردسالار کردستان، ضرب و شتم، شکنجه و آزار جسمی، بی‌عدالتی و محرومیت از حقوق، فقر و جهل و عقب‌ماندگی جامعه، کشتن زنان به نام ناموس، خشونت، کشتن زنان به نام حفاظت از ناموس، سیطرهٔ مذهب بر زنان، کالاشدن زنان در تبلیغات و رسانه، فرهنگ سنتی، بازتولید فرهنگ سنتی، ماندگاری برخی از آداب و سنت‌های قدیمی، نگاه ابزاری و کالایی به زنان، نگاه مصرفی به زنان، افزایش خشونت، افزایش ازدواج اجباری، نگاه حاشیه‌ای به زن، خشونت علیه زنان، تشویق زنان به مصرف، بازنمایی فرهنگ سلطه در رسانه
کالایی‌سازی زنان	برساخت مصرفی و نگاه کالایی به زنان	شرکت در عرصه‌های مهم مانند پارلمان و برخی مناصب عالی، فرصت‌های شغلی زنان در همهٔ عرصه‌های اقتصاد مستقل، بخش سلامت، نسبت سالانهٔ زنان به‌عنوان پزشک، پرستار و بهورز در بازار و بخش‌های تجاری در حال افزایش، خریدوفروش و راه‌اندازی دفاتر و محل کار، سهم ۳۰ درصد زنان در قانون در سیاست پست‌های زنان به‌عنوان وزیر و مسئولیت‌های بالا، افزایش تصمیم‌گیری‌های اجتماعی
مشارکت و تصاحب پست‌های مدیریتی و سیاسی	ورود به عرصهٔ سیاست اتخاذ پست‌های مهم مدیریتی و سیاسی ورود به بازار کار	تصاحب مجری در شبکه‌ها، بهره‌برداری رسانه‌ای از مسائل زنان، حزبی‌بودن رسانه‌ها، تغییر در اندیشهٔ زنان، به‌کارگیری زنان در رسانه و اشتغال آن‌ها، بازتولید کلیشه‌های جنسیتی، وسیله قراردادن زنان در رسانه‌ها، اهمیت اخبار مربوط به زنان، ایجاد ذهنیت مردانه در رسانه، نشان‌دادن مشکلات زنان، ایجاد ارتباط با زنان، نشان‌دادن زنان سایر کشورها، تأثیر زیاد بر جامعه و زنان، استفاده از زنان در تبلیغات، مدارج تحصیلی بالای زنان، شاغل‌بودن زنان، بالا رفتن سطح سواد زنان، ورود زنان به دانشگاه‌ها، ورود زنان به پارلمان، افزایش مشارکت اجتماعی زنان، مشارکت بالای سیاسی و اجتماعی زنان، آگاهی‌بخشی، ترویج فرهنگ آموزش، افزایش سطح مطالعات در مورد مسائل زنان
نقش دوگانهٔ آموزش و رسانه	ورود به عرصهٔ رسانه نقش رسانه‌ها در ارتقای آگاهی زنان آموزش و ارتقای نقش و جایگاه زنان	تلاش برای مشارکت واقعی زنان در مدیریت تغییر فرهنگی، اجتماعی تغییر آداب و سنن مانند ختنه، ازدواج اجباری، تصویب قوانین عادلانه برای حمایت از زنان و کودکان، کار روی برنامه‌های آموزشی، گسترش آگاهی اجتماعی و آموزش اعضای جامعه، بازنمایی مشکلات زنان در رسانه‌ها و در مجلس و... حمایت زنان و توانمندسازی آن‌ها، ترغیب نهادهای بین‌المللی به حمایت از زنان، فشار بر احزاب و جریان‌های سیاسی قوانین جدید و فشار برای تغییر برخی قوانین و تعلیق قوانین به نفع زنان، ارتباط با سایر سازمان‌های بین‌المللی، آموزش‌ها و مهارت‌ها، حل برخی از مسائل اجتماعی قدیمی و پدیده‌های رایج در جامعه مانند ازدواج اجباری بزرگسال با کودک و ختنهٔ زنان، تقویت جایگاه زنان
انجمن‌ها و تأثیرات ساختاری	تلاش برای تصویب قوانین عادلانه ریشه‌کنی الگوهای کهن اجتماعی فرهنگی و گسترش آگاهی حمایت و بازنمایی مشکلات و چالش‌های زنان	

۴-۱. احزاب سیاسی و شکل‌دهی به خواسته‌های زنان

تشکیل خودمختاری عملی کردها در شمال عراق در سال ۱۹۹۱ رویدادی مهم در تاریخ معاصر کردها بود. این امر جنبه‌ای ملی به مبارزات زنان نیز به خود گرفته است. همگرایی/ واگرایی مبارزات ملی و زنانه در این وضعیت تاریخی، دارای اهمیت دوچندان است. از بدو تأسیس دولت منطقه‌ای کردستان، فعالان کرد برای تحقق حقوق زنان در زندگی عمومی و حمایت از حقوق آن‌ها در عرصهٔ خصوصی با آن مشارکت کردند. موضوع اصلی در این مشارکت‌ها، فشار بر اقدامات دولت علیه خشونت مبتنی بر جنسیت، به‌ویژه قتل ناموسی زنان توسط بستگان به اتهام روابط خارج از ازدواج و ختنهٔ زنان بوده است. شبکه‌های حقوق زنان در کردستان تلاش‌های زیادی را برای مقابله و از بین بردن چنین اقداماتی انجام داده‌اند و دستاوردهای مهمی به‌ویژه از اوایل دههٔ ۲۰۰۰ به دست آورده‌اند (Voller, 2014). در طول دههٔ ۱۹۹۰، فعالان کرد حقوق زنان همچنین برای اصلاح وضعیت عراق به‌منظور ایجاد برابری بیشتر در ازدواج و طلاق، لابی‌هایی انجام دادند. بعد از آن، بزرگ‌ترین خیزش توده‌های کردهای اقلیم کردستان عراق با حملهٔ آمریکا به عراق آغاز شد و این اقلیم به دو قسمت یکی استان سلیمانیه تحت نظارت اتحادیهٔ میهنی و استان‌های اربیل و دهوک زیر کنترل حزب دموکرات تقسیم شد (Sumer & Joseph, 2018). به‌موازات این تقسیم‌بندی، برخی فعالان زن به هریک از احزاب گرایش پیدا کردند. این امر سبب شد احزاب خواسته‌های خود را در قالب انجمن‌ها و انجمن‌ها نیز خواسته‌های خود را در احزاب پیگیری کنند. برخی مصاحبه‌شوندگان با تأکید بر سیطرهٔ احزاب بر مسائل زنان معتقدند که نظر و خواسته‌های زنان

هم‌راستا و همگام با خواسته‌های احزاب شده است:

«زنان و تشکلهای زنان هنوز در مرحله تکمیل وظایف حزبی خود هستند، یعنی مستقل و تصمیم‌گیرنده در مورد مسائل زنان به نفع سیاست‌های حزبی خود و افزایش قدرت حزبی و حتی افزایش آرای انتخاباتی برای زنان هستند» (کد ۱۰).
روایت‌ها از نقش احزاب در تحقق حقوق زنان دوگانه و گاهی با نگاهی جانب‌دارانه است. برخی از مصاحبه‌شوندگان با بیان اینکه این حقوق ذیل خواسته‌های احزاب مطرح است، به انتقاد از وضعیت موجود می‌پردازند و حتی کار زنان و انجمن‌ها را در راستای اهداف و خواسته‌های احزاب می‌دانند؛

«قبل از ۱۹۹۱، برخی از مسائل زنان و خواسته‌های زنان به تدریج در جامعه کردی رو به افول است، موضوع اقوام در حال رنگ باختن بود، اما پس از قیام، منافع احزاب می‌خواست این جنبه‌های اجتماعی برای تقویت مواضع خود دوباره ظاهر شود. در واقعیت، قدرت حتی سازمان‌های احزاب نیز در گذشته و در معرفی منافع خود به دنیای خارج و سیاست جهانی، مسائل زنان و برابری جنسیتی را در اولویت احزاب خود قرار ندادند، زیرا پس از قیام و به‌ویژه تعداد بیشتری از پناهندگان ما به دنیای خارج رسیدیم، ورود سازمان‌ها و کمک‌های جامعه جهانی و تحریم‌های سازمان ملل در قوانین داخلی، نظام نهایی را به نفع زنان تغییر داده است» (کد ۸).

دودستگی ناشی از احزاب مسلط در اقلیم، سبب جذب فعالان زنان از سوی هر دو حزب شده است و این امر سبب شده است خواسته‌های فعالان نیز گاهی شکل متضاد و غیرهمسو به خود بگیرد. از سال ۲۰۰۳، تسلط احزاب سیاسی بر جامعه مدنی به‌طور فزاینده‌ای برای برخی از فعالان زن به مسئله تبدیل شده است. تا حدودی، روابط بین فعالان زن و حکومت اقلیم کردستان براساس دیدگاه‌های آن‌ها در مورد دستاوردهای احزاب سیاسی در رابطه با برابری جنسیتی شکل می‌گیرد. برخی از زنان، به‌ویژه آن‌هایی که با احزاب سیاسی مرتبط هستند معتقدند احزاب سیاسی نقش مهمی در بهبود حقوق زنان در کردستان عراق ایفا کرده‌اند. اما برخی دیگر منکر این قضیه می‌شوند.

برخی از فعالان زن بر این باورند که سیاستمداران کردستان، حقوق زنان را برای تمرکز بر «مسائل ملی بزرگ‌تر» کرکوک، نفت و فدرالیسم به حاشیه می‌برند. برخی دیگر از فعالان زن بر این باورند که این مسائل مربوط به حقوق کردها نیز از دستیابی به حقوق زنان در کردستان جدا نیست. با وجود این، مصاحبه‌شوندگان بر بروز مسائل زنان در سطح گسترده و فراتر از مسائل ملی و اختلافات درون‌حزبی و حکومتی تأکید دارند که صرفاً قراردادن آن‌ها در این مسائل را تقلیل دادن و محدود کردن مسائل زنان قلمداد می‌کنند.

«احزاب سیاسی همواره به‌گونه‌ای شکل گرفته‌اند که تصمیم‌گیری‌ها توسط یک فرد اتخاذ می‌شود. ذهن مردانه حکومت می‌کند؛ حتی زنانی با ذهنیت مردانه فکر می‌کنند که اکثریت هستند» (کد ۱۵).

۴-۲. سيطرة فرهنگ پدرسالارانه

فرهنگ کردی با خصوصیات غالب مردسالارانه، در اقلیم کردستان موجب دشواری فعالیت و دستیابی زنان به جایگاه‌های بالا شده است و عدم باور به توانایی زنان در فرهنگ سنتی کردی رایج است (Mohammad Aljaf et al., 2019). مصاحبه‌شوندگان با بیان این امر که فرهنگ مردسالاری در ساختار اجتماعی اقلیم ریشه دوانیده است، بر موانع این فرهنگ بر مشارکت زنان و انجمن‌ها در تغییرات ساختار اجتماعی اقلیم تأکید دارند: «نتیجه این فرهنگ مردانه سبب شده است که زنان به دلیل ناآگاهی از یکدیگر حمایت نکنند. این نتیجه، یک مشکلی است که ما سال‌ها روی آن کار کرده‌ایم» (کد ۱۵).

مصاحبه‌شوندگان با بیان اینکه فرهنگ غالب در کردستان عراق، یک فرهنگ غالب مردسالارانه است، به ریشه‌دواندن آن در اجتماع، سیاست و عرصه‌های مدیریتی و رهبری و... تأکید دارند. آن‌ها ریشه‌های مردسالاری را در تاریخ جست‌وجو می‌کنند و تغییر در آن را لازم جامعه می‌دانند. مصاحبه‌شوندگان این امر را در باورهای فرهنگ قبیله‌ای، مذهب و دین قوی‌تر می‌دانند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

«به نظر من مردسالاری در تاریخ ما بوده است و اکنون هم وجود دارد. باید ریشه‌های آن را در فرهنگ و اجتماع و تاریخ خود

جست‌وجو کنیم. با این کار می‌توانیم بر نحوه تسلط مردان بر زنان نیز آگاه شویم» (کد ۵).

در اقلیم کردستان با توجه به فرهنگ سنتی، پدر جایگاه مهم‌تر و اساسی‌تری در جامعه دارد. این فرهنگ که از یک نظام قبیله‌ای و مذهبی ناشی شده، زن را در تملک خود گرفته است. با وجود این، در چند دهه اخیر، تحولات اقلیم کردستان عراق، به‌ویژه تحولات اقتصادی، وابستگی آن به منابع انرژی از جمله نفت و هم‌زمانی آن با بازار سرمایه‌داری جهانی سبب شده است که فرهنگی دیگر در کنار فرهنگ قبیله‌ای دامن‌گیر زنان شود؛ فرهنگی برخاسته از سرمایه‌داری که بر مصرف تأکید دارد و در این میان زنان از این قاعده مستثنا نیستند. حتی عقیده بر این است که زنان محور این فرهنگ هستند. با گسترش رسانه‌ها، افزایش قدرت خرید مردم، بهبود وضعیت اقتصادی و مشارکت در تجارت جهانی، فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری روزه‌روز خود را در اقلیم کردستان نشان می‌دهد.

۳-۴. کالایی‌سازی زنان

مصاحبه‌شوندگان به رواج فرهنگ مصرفی و به‌تبع آن کالایی‌شدن زنان که از نمودهای سرمایه‌داری در کردستان عراق هستند اشاره دارند که جایگاه زنان را تغییر داده است، اما آثار منفی آن مهم‌تر است. مصاحبه‌شوندگان به سوءاستفاده و کالایی‌سازی زنان در رسانه‌ها اشاره دارند که زنان در رسانه‌ها خود را عرضه و کالاها را تبلیغ می‌کنند. آنچه در چند سال اخیر در اقلیم کردستان شاهد بوده‌ایم، رشد و گسترش رسانه‌ها، تلویزیون، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و... است که این امر از سویی سبب افزایش آگاهی زنان و برجسته‌کردن مسائل و چالش‌های آن‌ها شده است و از سویی دیگر نگاه مصرفی و تبلیغاتی به آن‌ها افزایش یافته است. با وجود این، مسئله اساسی و مهم مربوط به جایگاه زنان تحت تأثیر فرهنگ قبیله‌ای پدرسالارانه و سیطره مردسالاری با پدیده‌های نوینی است که مسئله زنان و به‌تبع انجمن‌ها را با پیچیده‌تر کرده است. با وجود این، مصاحبه‌شوندگان بر درهم‌آمیختگی پدرسالاری و سرمایه‌داری در اقلیم کردستان اذعان دارند و آن را بازتولیدگر مناسبات اجتماعی گذشته می‌دانند. این امر موجب شده است که مردانگی جدید در قالب پدرسالاری جدید دوباره ظاهر شود و جایگاه زنان را نیز دستخوش تغییر قرار دهد. به همین سبب بر ساخت فرهنگ مصرفی و نگاه کالایی به زنان مشخصه دیگر این درآمیختگی است.

«زنان همچنان کالاهایی هستند. حتی لوازم آرایشی و جراحی زیبایی نیز مؤید این واقعیت است که زنان همچنان به‌عنوان کالا مورد استفاده قرار می‌گیرند و کار مستقل برای زندگی زنان در زندگی واقعی مضر است» (کد ۸).

همچنین مصاحبه‌شوندگان به سوءاستفاده و کالایی‌سازی زنان در رسانه‌ها اشاره دارند و آن را پدیده‌ای همه‌گیر می‌دانند که روزه‌روز در حال افزایش است. به نظر آن‌ها زنان در این رسانه‌ها خود را عرضه و کالاها را تبلیغ می‌کنند و جایگاه آن‌ها بدین شیوه به جایگاه کالا تبدیل خواهد شد. آنچه در چند سال اخیر در اقلیم کردستان شاهد بوده‌ایم، رشد و گسترش رسانه‌ها، تلویزیون، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و... است. بخش زیادی از تولید محتوای این رسانه‌ها و کارهای اجرای این رسانه‌ها بر عهده زنان است. همچنین این گسترش با نوعی سرمایه‌داری مصرفی هم‌زمان شده است که زنان را به‌عنوان مبلغ و مصرف‌کننده آن در نظر دارد. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«زنان تبلیغ‌کننده کالاها قلمداد می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی را یک منبع مالی می‌دانند تا زنان را به کالاهایی تبدیل کنند و از این طریق کالاهای خود را نیز بفروشند» (کد ۱۲).

۴-۴. مشارکت و تصاحب پست‌های مدیریتی و سیاسی

با توجه به اهمیت قدرت سیاسی به‌عنوان تعیین‌کننده، کنترل‌کننده و مدیریت‌کننده عرصه‌های مختلف زندگی بشر، حضور زنان در عرصه قدرت سیاسی، از مؤثرترین گام‌ها در راستای اعتلای جایگاه و حقوق زنان به‌شمار می‌رود. تا قبل از قرن نوزدهم در بیشتر جوامع، اغلب مردم و تقریباً همه زنان از امکان تأثیرگذاری بر روند اصلی قدرت (رأس هرم قدرت سیاسی) محروم بودند، اما اتفاقات اساسی در عرصه بین‌الملل از جمله تحولات بعد از جنگ جهانی دوم و پس از جنگ سرد (شکست فرهنگ‌های سیاسی واجد خصایص اقتدارگرایی، توتالیتری، فاشیستی و...) و به‌دنبال رشد فرهنگ دموکراتیک در کشورهای اروپایی و ایالات متحده،

امکان مشارکت سیاسی مؤثر، به‌ویژه از طریق مکانیسم‌های انتخاباتی برای زنان فراهم شد؛ بنابراین، تا پایان قرن نوزدهم، ابتدا در نظام‌های مردم‌سالار و سپس در بیشتر کشورهای جهان، مشارکت زنان در سیاست از سطح مشارکت سیاسی (حق رأی و اجتماعات سیاسی و...) فراتر رفت و به سطح فعالیت در مناصب سیاسی از جمله عضویت پارلمان و احراز نقش‌های رهبری سیاسی ارتقا یافت. امروزه ارتقای مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف از جمله سیاست، به‌عنوان پیش‌شرط توسعه و پیشرفت جوامع، مورد تأکید جامعه جهانی قرار گرفته است.

آنچه در مورد کشور عراق و اقلیم کردستان قابل‌بحث است، تغییرات ساختاری بعد از حمله آمریکا به عراق و سرنگونی آن به‌ویژه تدوین قانون اساسی جدید براساس دموکراسی و فدرالیسم است. در این تغییرات، زنان نیز بهره‌مند شده و گام‌های اساسی به‌سوی پیشرفت و توسعه برداشته‌اند.

در اقلیم کردستان این روند شتاب زیادی به خود گرفته است و زنان در مناصب حکومتی و اداری نقش و جایگاهی دارند. همچنین آن‌ها با وجود تعدد احزاب و طیف‌های سیاسی، مشارکت سیاسی زیادی را بعد از این تغییرات ساختاری در سال ۲۰۰۵ داشته‌اند. در قانون گذشته، حضور ۷ درصدی زنان در جلسه اول مجلس در سال ۱۹۹۲ تعیین شد و در دومین دوره مجلس، نرخ مشارکت زنان در سال ۹۲ به ۲۵ درصد رسید و در جلسه سوم مجلس افزایش یافت. مشارکت زنان کردستان به ۳۰ درصد افزایش یافته است (Garmanyani, 2015: 13). یکی از مصاحبه‌شوندگان که از زنان موفق در عرصه سیاسی اقلیم است و یکی از مهم‌ترین پست‌های سیاسی در اقلیم از آن اوست در این باره می‌گوید:

«درواقع بعد از قیام و مبارزه بعد از قیام حضور داشتم. در تشکلهای زنان، تشکلهای دانشجویی و جوانان و حزب خودم خیلی کار کردم. وضعیت زنان در فضای سیاسی و اجتماعی خیلی بهتر از الان بود. نکته بهتر مربوط به ذهنیت نسل سیاسی و اراده سیاسی بود که در آن زمان تصمیم‌گیرندگان بودند. حمایت آقای مام جلال از مسائل زنان بسیار دلگرم‌کننده بود؛ به‌طوری‌که مشکلات اجتماعی و موانع سیاسی در مقابل زنان کمتر بود، اعتقاد به توانایی‌های زنان بهتر بود، حامی قوی این پیشرفت اجتماعی و حقوقی حتی اقتصادی قوی بود. حمایتی که تعداد زیادی از زنان را قادر به ورود به عرصه سیاسی و استقلال اقتصادی کرد» (کد ۲).

عموماً سیاست، عرصه‌ای مردانه تصور می‌شود و به نظر می‌آید زنان حضور کم‌رنگی در آن دارند، هرچند به تدریج و بیش از گذشته شاهد حضور زنان در بالاترین مقام‌های سیاسی هستیم و رسانه‌های متعدد نظام سرمایه‌داری، حضور زنان در عرصه‌های سیاسی را مصداق برابری حقوق زنان در آن کشورها قلمداد می‌کنند.

۴-۵. نقش دوگانه آموزش و رسانه

آموزش و رسانه از مهم‌ترین ابزارها و مجراهایی هستند که عاملیت و روابط ساختاری در عراق و کردستان را به شیوه‌ای دیگر به‌ویژه برای زنان شکل داده‌اند. زنان به‌وسیله آموزش و تحصیلات توانسته‌اند نقش و جایگاه خود را تغییر دهند، به مسائل و چالش‌های خود، آگاه‌تر شوند و دست به کنش بزنند. از سوی دیگر آموزش توانسته است به‌لحاظ قانونی روند صعودی رسیدن به اهداف و مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی را برای زنان فراهم کند. رسانه‌ها نیز بر این روند تأثیر گذاشته‌اند و سبب آگاه‌سازی زنان، توانمندی‌ها و ایجاد خودباوری در آن‌ها شده‌اند. در این مورد مصاحبه‌ها، با برجسته‌کردن اینکه رسانه‌ها می‌توانند صدای زنان در عرصه عمومی و سیاست‌گذاری در اقلیم کردستان باشند، به مزایای تعدد رسانه‌ها و بازنمایی مسائل و مشکلات زنان به‌وسیله رسانه‌ها می‌پردازند:

«به نظر من، رسانه‌ها توانسته‌اند دید عموم و زنان را در مورد مسائلی چون ختنه، خشونت و آزار و قتل ناموسی و این‌ها تا حدی تغییر دهند و از این جهت مهم و مؤثر بوده‌اند» (کد ۱۲).

همچنین درک از وضعیت و شرایط زندگی آنان بسیار مهم است تا بتوان در جهت ارتقا و توانمندسازی آن‌ها گام برداشت. در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان با برجسته‌کردن نقش رسانه‌های ارتباطی از جمله شبکه‌های مجازی در بهبود و ارتقای جایگاه زنان، بر لزوم گسترش مباحث و مسائل زنان در رسانه‌ها تأکید دارد و می‌گوید:

«به نظر من باید این رسانه‌ها بلندگوی زنان و مسائل آن‌ها باشند... باید بتوانند مشکلات زنان را بازگو کنند و در جهت ارتقای زنان بکوشند» (کد ۵).

از سوی دیگر، یکی از تغییرات مهم در عراق و کردستان عراق، ارتقای آموزش عمومی و دانشگاهی است. نظام آموزشی عراق در سال ۱۹۲۱ تأسیس شد، اما تحول اصلی برای زنان در دهه ۱۹۷۰ رخ داد. به‌وجودآمدن آموزشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی خصوصی، یکی از دستاوردهای نظام عراق در امر برابری حقوق زن و مرد بود. اما با تحریم این کشور توسط جامعه جهانی و ایالات متحده آمریکا، بیشتر این مراکز که توسط بودجه‌های دولتی اداره می‌شد، بسته شد. درواقع این اتفاق سبب شد تا آموزش زنان در شرایط بدی قرار بگیرد. در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان با توجه به نقش آموزش در تحرک اجتماعی زنان بر موانع آموزش زنان در عراق و کردستان عراق اشاره دارد:

«فرهنگ مردسالاری، فرهنگ قبیله‌ای، جنگ و ناامنی، خشونت و مسائل ناموسی، وضعیت بد اقتصادی و کم‌توجهی دولت به آموزش زنان از مهم‌ترین مواردی هستند که در این رابطه می‌توان بیان کرد. آنچه مهم است ایجاد بینش و دیدی جدیدی به آموزش زنان است که باید به آن پرداخته شود» (کد ۳).

با وجود این، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان نسبت به تغییرات در حوزه آموزش و نقش آن در رابطه با ارتقای زنان خوش‌بین هستند و گام‌هایی را که در عراق و کردستان عراق برای رفع بی‌سوادی زنان، آموزش و توانمندسازی آن‌ها برداشته شده مثبت ارزیابی می‌کنند. اما برخی دیگر بر جنبه‌های منفی آن به‌ویژه رسانه‌ها و تأثیرات آن‌ها تأکید دارند:

«زنان در رسانه‌ها به‌عنوان ابزار و کالا مورد استفاده قرار می‌گیرند. آن‌ها اصلاً در راستای اهداف و توانمندی زنان کار نمی‌کنند بلکه به‌عنوان تبلیغ‌کننده و مجری و... به فعالیت مشغول‌اند. اتفاقاً آن‌ها سبب رواج فساد و مصرفی‌گرایی و... در بین زنان شده‌اند و آن‌ها را از اهداف والای خود دور کرده‌اند» (کد ۱۳).

۴-۶. انجمن‌ها و تأثیرات ساختاری

انجمن‌های زنان سال‌هاست درگیر مبارزات مدنی در اقلیم کردستان بوده‌اند و توانسته‌اند به بسیاری از مسائل اجتماعی مرتبط با زندگی زنان بپردازند و تأثیرات مثبتی از خود بر جای بگذارند؛ از جمله این مسائل می‌توان به ازدواج اجباری، ازدواج زودهنگام، ختنه زنان و... اشاره کرد. در این مورد، یکی از مصاحبه‌شوندگان با بیان اینکه اقدامات انجمن‌ها برای تغییر وضعیت زنان مثمرتر بوده است، به نگاه واقع‌بینانه به مسائل زنان تأکید داشته و معتقد است این نگاه سبب می‌شود، مسائل، مشکلات و دغدغه‌های زنان را آن‌طور که هست ببینیم و بتوانیم آن‌ها را حل کنیم:

«تشکل‌های زنان برای گسترش آگاهی در بین زنان کار خوبی انجام داده‌اند و در ایجاد انجمن زنان فعال در اقلیم کردستان تأثیر خوبی داشته‌اند و گاه از زنان برای رسیدن به موقعیت‌های تصمیم‌گیری حمایت می‌کنند. همه تشکل‌های زنان باید با هماهنگی با یکدیگر کار مشترک را در اولویت کاری خود قرار دهند و با تفاهم تشکیلاتی، کار مشترک و گام‌های مشترک این موضوع را ارتقا دهند» (کد ۱۳).

برخی از مصاحبه‌شوندگان با بیان موانع و چالش‌های کار در انجمن‌های زنان، به ادامه روند تأثیرگذاری آن‌ها بر جامعه و حل مشکلات و مسائل زنان تأکید دارند. مصاحبه‌شوندگان اقدامات این انجمن‌ها مانند تغییر دیدگاه‌های مردسالارانه، تغییر فرهنگ‌های سنتی مانند شیربها، ازدواج اجباری، ختنه و... را بسیار حائز اهمیت دانسته و بر روند این تغییرات در وضعیت کنونی جامعه تأکید دارند. آن‌ها اقدامات انجمن‌ها را مصادف با انقلاب اجتماعی می‌دانند و بر لزوم ادامه آن با وجود مشکلات و سختی‌ها پافشاری می‌کنند. به نظر مصاحبه‌شوندگان، اقدامات انجمن‌ها شاید در وهله اول دیده نشود یا در رسانه‌ها و عرصه عمومی به نمایش درنیاید، اما با گذشت زمان، این اقدامات بیشتر و بهتر کارایی خود را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قانون‌گذاری نشان می‌دهد:

«البته تشکل‌های زنان بسیار تأثیرگذار بوده‌اند و توانسته‌اند در موضوعاتی که آداب و رسوم و فرهنگ اجتماعی کارهای جدی انجام دهند، مثلاً پدیده ختنه زنان ازدواج اجباری، شیربها و... تعدادی از پدیده‌های اجتماعی که حقوق زنان را دربرنمی‌گرفت،

توانسته‌اند انقلاب اجتماعی قوی و مؤثری را رقم بزنند. اکثر زنانی که وارد تصمیم‌گیری شده‌اند، اکنون ثمره تلاش‌هایشان در زندگی اجتماعی منعکس شده است و این دستاورد بزرگی است و خوشبختانه همچنان ادامه می‌دهند» (کد ۱۷).

۵. نتیجه‌گیری

تغییرات در حکومت بعد از رژیم بعث و تشکیل حکومت اقلیم و تثبیت آن به‌ویژه از سال ۲۰۰۵ که هم‌زمان با اعمال تغییرات قانونی بود، سبب تغییرات ساختاری‌ای شد که زمینه مشارکت اجتماعی-سیاسی زنان را فراهم کرده است؛ به‌طوری‌که مشارکت اجتماعی زنان و انتصاب زنان به پست‌های مهم، همچنین تصویب لوایح قانونی در جهت بهبود وضعیت زنان گواهی بر این مدعاست. همان‌طور که پژوهش سکار فاتح (۲۰۱۵) و نسرين زرار (۲۰۰۶) نیز نشان داد، زنان و انجمن‌های زنانه نیز از این تغییرات بی‌نصیب نمانده‌اند. با مسائل پیش‌آمده به‌ویژه از زمان تشکیل اقلیم و روند سریع تحولات بعد از آن به‌ویژه از زمان تثبیت آن در سال ۲۰۰۵ و هم‌زمان با تدوین قانون اساسی فدرالی در عراق، توجه به زنان در عرصه‌های نهادی، قانون‌گذاری، مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بیشتر شده است. این توجه به چند دلیل قابل‌بازشناسی است. از جهت مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان رغبت و انگیزه آن‌ها بیشتر شده است. همچنین این امر را می‌توان در ورود و گسترش رسانه‌های جمعی و تحولات مربوط به فناوری و... نیز جست. افزایش تحصیلات، ورود زنان به عرصه اقتصاد و کار، افزایش سطح رفاه و امنیت و... از مواردی هستند که می‌توان آن‌ها را در این امر سهیم دانست. رشد و گسترش انجمن‌های زنان را نیز می‌توان زاده این تحولات دانست که خود در پیشبرد توجه به زنان و مسائل آن‌ها نقش داشته است؛ بنابراین این تغییرات و تحولات جدید در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان را نیز در معرض بازاندیشی و آگاهی‌سازی نسبت به نقش و جایگاه خود قرار داده است. در این میان انجمن‌های فعال زنان نقش برجسته و مهمی را ایفا کرده‌اند که این امر اهمیت و ضرورت نقش و جایگاه زنان در این انجمن‌ها را نیز یادآور می‌شود.

مصاحبه‌شوندگان و نتایج پژوهش‌ها حاکی از شروع تغییرات ساختاری از دهه ۱۹۹۰ به‌ویژه برای زنان در عراق و کردستان عراق است. قیام ملت کرد که به تشکیل حکومت اقلیم کردستان منجر شد، شروع رشد و گسترش انجمن‌ها و هم‌زمان با آن مطرحت مسائل زنان بوده است. در این دوره زنان به عرصه‌های سیاسی و قانون‌گذاری وارد شدند، انجمن‌ها شروع به مبارزه با فرهنگ سنتی مردسالار و پدرسالار کردند. براساس یافته‌ها، هم‌زمان مبارزه برای ریشه‌کنی معضلات سنتی مانند ختنه، ازدواج اجباری، شیربها و... توانست به روند تغییرات ساختاری کمک کند. این نتیجه، یافته‌های پژوهش کریم و همکاران (۱۳۹۸) را نیز تأیید می‌کند. اما نکته‌ای که در اینجا مطرح است، با توجه به حاکمیت احزاب سیاسی به‌ویژه دو حزب اصلی در اقلیم کردستان، سيطرة آن‌ها بر انجمن‌ها مطرح شد که ذیل این امر خواسته‌های زنان در چارچوب خواسته‌های حزب خلاصه شده و گرایش انجمن‌ها و زنان به احزاب استقلال رأی را از آن‌ها گرفته است. همچنین هم‌زمانی آن با فرهنگ پدرسالاری و سرمایه‌داری حاکی از شکل‌گیری پدرسالاری جدید در اقلیم است. این پیوند به‌وسیله بازتولید ساختارهای اجتماعی و گسترش روند سرمایه‌داری به میانجی کالایی‌شدن زنان و تثبیت و تداوم فرهنگ پدرسالاری انجام گرفته است. برخی از مصاحبه‌شوندگان این امر را مثبت قلمداد می‌کنند و تلاش‌های احزاب را برای بهبود وضعیت زنان می‌ستایند و برخی دیگر معتقدند زنان دوباره در حاشیه قرار داده شده‌اند و آنچه مهم است، ارجحیت‌دادن حزب بر مسائل زنان و انجمن‌ها است که فعالیت انجمن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. آنچه در چند سال اخیر در اقلیم کردستان شاهد بوده‌ایم، رشد و گسترش رسانه‌ها، تلویزیون، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و... است که این امر از سویی سبب افزایش آگاهی زنان و برجسته‌کردن مسائل و چالش‌های آن‌ها شده است و از سوی دیگر نگاه مصرفی و تبلیغاتی بدان‌ها افزایش یافته است. مصاحبه‌شوندگان بر تغییرات در نقش و جایگاه آن‌ها به‌واسطه تغییر قوانین، تصدی پست‌های مدیریتی و سیاسی، آموزش و نقش مثبت رسانه‌ها تأکید دارند و روند تغییرات ساختاری درمورد نقش و جایگاه آن‌ها با این موارد دچار تحول شده است. با وجود این، مصاحبه‌شوندگان بر تغییرات ضعیف در نقش و جایگاه زنان در کردستان عراق تأکید دارند. آن‌ها با توجه به تغییرات حکومتی، تثبیت وضعیت سیاسی، مشارکت اجتماعی زنان و تغییرات قانونی و نقش رسانه‌ها و آموزش ارتقای نقش و جایگاه زنان را مورد بحث قرار دادند.

در نهایت، یافته‌ها حاکی از آن است که انجمن‌های زنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تغییردهنده ساختار و خود زنان فعال به‌عنوان عامل تغییر عمل کرده‌اند و در این راستا، تلاش برای تصویب قوانین عادلانه، ریشه‌کنی الگوهای کهن اجتماعی فرهنگی و گسترش آگاهی و حمایت و بازنمایی مشکلات و چالش‌های زنان از مهم‌ترین مواردی هستند که از مصاحبه‌ها استنباط و استخراج شد. نتایج نشان داد این امر هم زاده تغییرات ساختاری بوده است و هم خود سبب ادامه این تغییرات شده است. با توجه به وجود فرهنگ پدرسالاری و هم‌زمانی آن با سرمایه‌داری در اقلیم کردستان، نقش و جایگاه انجمن‌ها و زنان فعال بیش از پیش اهمیت یافته است و آن‌ها با چالش‌ها و مسائل جدیدی مواجه هستند. وجود و تقویت این دو ساختار در وضعیت کنونی کردستان عراق، تقویت نظام پدرسالاری و سرمایه‌داری و شکل‌دادن به مردانگی جدید در بافت و روابط ساختار اجتماعی اقلیم، عرصه را برای فعالیت و مشارکت واقعی زنان کمتر کرده و انجمن‌های زنان و فعالین سعی در بازنمایی مشکلات و آسیب‌های اجتماعی، مشارکت سیاسی برای برابری و عدالت جنسیتی، و همچنین برطرف کردن فرهنگ سنتی و قبیله‌های دارند و توانسته‌اند چه در سطح عاملیت و چه در سطح روابط ساختاری نقش و جایگاه زنان را بهبود بخشند.

۶. پیشنهادها

با توجه به یافته‌ها می‌توان پیشنهادهای سیاستی و پژوهشی زیر را مطرح کرد: پیگیری جدی مطالبات زنان و انجمن‌ها در محافل سیاسی و پارلمانی، اختصاص بودجه و اعتبارات بیشتر به انجمن‌های زنان، مشارکت انجمن‌ها در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زنان و تغییرات سیاسی اجتماعی، آموزش و آگاهی‌سازی در حوزه آسیب‌ها و مسائل اجتماعی، و تخصیص پژوهش‌ها و حمایت‌های دانشگاهی در مورد زنان و انجمن‌ها. محدودیت‌های این پژوهش نیز عبارت‌اند از: شکاف‌های اطلاعاتی و کمبود اطلاعات درباره شرایط زنان و انجمن‌ها به دلایل سیاسی و امنیتی، وجود موانع فرهنگی، مذهبی و اجتماعی فراوان برای مطالعه درباره مسائل زنان، دردسترس نبودن زنان فعال و متعاقب آن صرف هزینه و وقت زیاد جهت مصاحبه با آن‌ها، و سخت و طاقت‌فرسای بودن نگارش و مکتوب کردن مصاحبه‌ها.

References

- Abdullah, K. (2005). *Women in a closed circle*. Tawar Printing House. Sulaimani. (In Kurdish)
- Al-Ali, N., & Pratt, N. (2011). Between nationalism and women's rights: The Kurdish women's movement in Iraq. *Middle East Journal of Culture and Communication*, 4(3), 339-355. <https://doi.org/10.1163/187398611X590192>
- Al-Dulaimi, B. E. (2021). The literary movement in Jordan and its political, social and economic roles 1989-1999. *Master's Thesis*. Tikrit University. (In Kurdish)
- Ali, N. (2018). *Women and gender in Iraq: Between nation-building and fragmentation* (Vol. 51). Cambridge University Press.
- Al-Tamimi, H. (2018). Effects of Iraq's parliamentary gender quota on women's political mobilization and legitimacy post-2003. *Contemporary Arab Affairs*, 11(4), 41-62.
- Azazi, Sh. (2006). *Feminism essays and perspectives, Is male gender identity a justification for male dominance? Iris Marion Young*. Translated by: F. Gharedaghi. Tehran, Roshangan Publishing House and Women's Studies. (In Persian)
- Bakhawan, A. (2015). *Sociology of Social Movements* (1st Ed.). Ghazal Nus Printing House. Sulaimani. (In Kurdish)
- Begikhani, N., Hamelink, W., & Weiss, N. (2018). Theorising women and war in Kurdistan: A feminist and critical perspective. *Kurdish Studies*, 6(1).
- Bernard, H. R. (2006). *Research methods in anthropology: qualitative and quantitative approaches* (4th Ed.). AltaMira Press.
- Crowell, J. W. (2018). *Research design in qualitative, quantitative and combined approaches*. Translated by: A. R. Kiamanesh. Academic Jihad Publications. Allameh Tabatabai University. (In Persian)
- Flick, U. (2007). *An introduction to qualitative research*. Translated by: H. Jalili. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)

- Garmyani, T. (2015). *Achievements of South Kurdistan Women between 1992-2014* (1st Ed.). Karo Printing House. (In Kurdish)
- Gaznawi, M. (2017). Women are the first victims of crises, a collection of articles. (In Kurdish).
- Ghaderzadeh, O., & Karimi, A. (2020). NGOs; Constructing a New Communication Network as an Alternative for Structural Constraints: Providing a Grounded Theory. *Social Problems of Iran*, 11(1), 203-232. <http://jspi.khu.ac.ir/article-1-3272-fa.html> (In Persian)
- Giddens, A., & Parsall, K. (2003). *Sociology*. Translated by: H. Chavoshian. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Goulding, C. (2005). Grounded theory, ethnography and phenomenology; *European Journal of Marketing*, 39(3-4), 294-308.
- Hague, G., Gill, A. K., & Begikhani, N. (2013). 'Honour'-based violence and Kurdish communities: Moving towards action and change in Iraqi Kurdistan and the UK. *Journal of Gender Studies*, 22(4), 383-396.
- Kareem Mohammed Aljaf, N., Amiri, M., Safiri, K., & Amin, F. (2019). Model of Achieving Leadership Positions among Kurdish Women in Kurdistan Region of Iraq. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 17(2), 63-98.
- Khani, Z. (2010). Violence and murder on the basis of honor in Iraqi Kurdistan, by: Anwar Qadir, 2010, Kurdish Women's Rights Monitoring Organization, pp. 17 -1. (In Kurdish)
- Kiwan, D., Farah, M., Anna, R., & Jaber, H. (2016). Women's Participation and Leadership in Lebanon, Jordan and Kurdistan Region of Iraq: Moving from individual to collective change.
- Mahammadi, J., & Pashaei, L. (2021). Kurdish women in public sphere: the contexts, features and activities of feminine civil organizations (Case study: Kurdistan). *Woman in Development & Politics*, 19(3), 379-403. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2021.322999.1008006>
- Meri (2019). *Women in positions of leadership: Opportunities for empowerment*. Author.
- Mojab, S. (2004). Women in Iraqi Kurdistan. In W. Giles and J. Hyndman (eds.), *Sites of Violence: Gender and Conflict Zones* (108-133). Berkeley: University of California Press.
- Nasrin Zrar, Q. (2006). Research on the Role of Women's Centers in Solving Social Problems, *Master's Thesis*, Salahaddin University, 2006. (In Kurdish)
- Qadir, N. (2006). *Zrar Research on the Role of Women's Centers in Solving Social Problems*, Master's Thesis, Salahaddin University.
- Roche, G. (2001). *Social changes*. Translated by: M. Vothouqi. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Sajjadi, S. M. (2015). Feminism in postmodernism thought. *Women's Strategic Studies (Women's Book)*, 8(29), 7-38. <https://sid.ir/paper/448640/fa> (In Persian)
- Sharabi, H. (1965). Islam and modernization in the Arab world. *Journal of International Affairs*, 16-25.
- Sharabi, H. (1965). The transformation of ideology in the Arab world. *Middle East Journal*, 19(4), 471-486.
- Sheehi, S. (1997). Failure, modernity, and the works of Hisham Sharabi: Towards a post-colonial critique of Arab subjectivity. Critique: *Journal for Critical Studies of the Middle East*, 6(10), 39-54.
- Skar Fatih, A. (2015). Research on the Role of Kurdistan Regional Government Women in Politics, *Master's Thesis*, Mansour University, Egypt. (in Kurdish).
- Skar Fatih, A. (2015). Research on the Role of Kurdistan Regional Government Women in Politics, *Master's Thesis*, Mansour University, Egypt. (In kurdish)
- Sumer, F., & Joseph, J. (2018). The paradox of the Iraqi Kurdish referendum on independence: contradictions and hopes for economic prosperity, Retrieved from: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13530194.2018.1430533>
- Toloui, V., & Khaliq Panah, K. (2007). Narratology and Narrative Analysis, *Reading*, 52, 45-51.
- Voller, Y. (2014). Countering violence against women in Iraqi Kurdistan: state-building and transnational advocacy. *International Journal of middle east Studies*, 46(2), 351-372.
- Yahya, Sh. (2021). *Women's Issues in Socio-Gender Contextualization*. Rasan Foundation, Erbil.
- Zokaee, M. S., & Noori, A. (2016). Living in the borderlands: a phenomenological study of nowsudcityborderers. *Sociological Cultural Studies*, 6(4), 105-128. (In Persian)